

نوسازی و خشونت سیاسی: بررسی تطبیقی کشورهای اسلامی

معصومه قاراخانی^۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۲۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

یکی از موضوعات مورد توجه در جامعه‌شناسی سیاسی تطبیقی، پژوهش تجربی درباره خشونت سیاسی و تبیین رابطه بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با وقایعی است که تحت این عنوان مطرح هستند. این پژوهش در چارچوب رهیافت نوسازی، با اتخاذ رویکرد تطبیقی و کاربرد تحلیل همبستگی کنونیکال به بررسی رابطه میان نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی می‌پردازد. برای سنجش نوسازی، از شاخص کیفیت زندگی (QOLI)^۲ و برای سنجش خشونت سیاسی، از داده‌های ثانویه مربوط به خشونت سیاسی استفاده شده است. نتایج حاصل

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس Qarakhanim@gmail.com

از تحلیل همبستگی کنونیکال دو مجموعه متغیر خشونت سیاسی و نوسازی نشان می‌دهد که اولاً، بین نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد و ثانیاً، متغیرهای فرهنگی و اقتصادی، بیشترین همبستگی را با خشونت سیاسی در این کشورها دارند.

واژه‌های کلیدی: نوسازی، خشونت سیاسی، شاخص کیفیت زندگی، تحلیل

همبستگی کنونیکال

مقدمه

برخلاف چالش‌هایی که نوسازی به همراه داشته است جاذبه‌های آن گسترش یافته و باعث شتاب در به‌کارگیری سبک‌های جوامع مدرن از سوی سایر کشورها در مناطق گوناگون جهان شده است. این شتاب، مخاطره‌هایی را به همراه داشته است که نتیجه آن در برخی کشورها، تبدیل «انتظارات فزاینده» به «محرومیت‌های فزاینده» و ایجاد نابرابری در جامعه است. برخی کشورها با قرارگرفتن در گذار نوسازی با بالاترین میزان نابرابری در جامعه روبرو شده و بنابراین از بیشترین میزان خشونت سیاسی رنج می‌برند. زیرا «خواسته‌ها، افکار جدید را به همراه می‌آورند و افکار جدید، آگاهی‌های سیاسی جدید را در پی دارد» (لرنر، ۱۳۸۳). نتیجه این آگاهی‌های سیاسی، ایجاد مطالبات سیاسی جدید است که خود را در قالب اتخاذ رفتارهای تهاجمی و غیرمحافظة‌کارانه از سوی افراد و گروه‌ها در سیستم سیاسی این کشورها نشان می‌دهند.

وجود خشونت سیاسی در کشورهایی که در مسیر نوسازی قرار دارند، پژوهشگران را واداشته است تا همواره در پی شناسایی علتها و پیامدهای آن باشند. این موضوع، هم به عنوان یک مسأله نظری و هم یک مسأله اجتماعی، مورد توجه صاحب‌نظران و تحلیل‌گران در عرصه علمی، و سیاست‌گذاران در عرصه سیاست بوده است. پاره‌ای از کشورهای اسلامی در زمره کشورهای به‌شمار می‌آیند که در جریان نوسازی، با خشونت سیاسی روبرو هستند.

دلیل قاطعی وجود ندارد که بگوییم نوسانات اقتصادی و اجتماعی در زندگی، به نتایج یکسان در جوامع گوناگون می‌انجامد. اما نوشته حاضر با در نظر داشتن این موضوع که قابلیت پژوهش مجدد، سبب « ایجاد اطمینان در یک نظام، میان اعضای آن نظام و توسعه، پاکسازی و ساخت نظریه‌ها برای تبیین پدیده‌ها در آن نظام » (پالمر و دیگران، ۱۳۸۰: ۷) می‌شود و نیز با توجه به این‌که ورود به حوزه سیاست از یک سو، مستلزم توجه به متغیرهای مستقل گوناگون (فرهنگ، نهادها، رابطه نیروهای اجتماعی و...)، آثار آنها و توجه به «علیت چندگانه و نه فقط یک عامل برای تبیین تضاد خشونت‌آمیز» (مک و سیدر، ۱۹۷۵) است، با تکیه بر نظریه نوسازی، به بررسی تطبیقی موضوع «نوسازی و خشونت سیاسی» می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش است که آیا خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی تابعی از نوسازی است؟ با فرض وجود رابطه معنادار بین نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی و آزمون این فرضیه، از سطح چارچوب نظری فراتر رفته و در پی پاسخ به این پرسش است که کدام یک از متغیرهای ذیل نوسازی بیشترین همبستگی را با بروز خشونت سیاسی در این کشورها دارند؟

پاسخ به این پرسش به شیوه‌ای تطبیقی، نیازمند در نظر گرفتن «نظام‌های سیاسی به مثابه موضوعاتی دارای ویژگی‌های مشترک است» (بدیع، ۱۳۷۶). در این پژوهش کشورهای جهان اسلام که به نظر می‌رسد بیشتر آنها در مسیر نوسازی قرار گرفته‌اند را انتخاب نموده‌ایم. در این مطالعه، همه کشورهای اسلامی، هدف مطالعه بوده‌اند تا ضمن درک واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی آنها، با انجام یک مطالعه بین‌کشوری، به بررسی همبستگی بین نوسازی و خشونت سیاسی در میان این کشورها پردازیم.

ملاحظات نظری

گستره‌ای از پدیده‌های سیاسی که با عناوین گوناگون «کشمکش سیاسی» (گر، ۱۹۶۸)، «خشونت جمعی» (تیلی، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۵)، «انقلاب» (دیویس، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۸)، «بی‌ثباتی سیاسی» (فایریند و فایریند، ۱۹۶۶) یا «خشونت» (هیبس، ۱۹۷۳) مطرح شده‌اند

(اشنایدر، ۱۹۷۸: ۴۹۹) بر اساس نظریه‌های خشونت، یا بی‌ثباتی سیاسی تبیین شده است. نظریه‌های معاصر خشونت سیاسی، بر مبنای رهیافت‌هایی که اتخاذ کرده‌اند به سه دسته تفکیک می‌شوند: رهیافت ساختی - کارکردی، رهیافت رفتاری - روان‌شناختی و رهیافت روان‌شناختی - ساختاری. از میان این سه رهیافت، از آن‌جایی که رهیافت روان‌شناختی - ساختاری با تأکید بر روابط بین این دو و ذیل نظریه نوسازی، هم به جنبه‌های روان‌شناختی و هم ساختاری خشونت می‌پردازد، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

در این دیدگاه، منشأ خشونت سیاسی می‌تواند با تغییرات ساختاری در جامعه و تغییرات روان‌شناختی مورد نیاز آن، همراه باشد؛ چنان که تحرک اجتماعی، فرایند همه جانبه تغییر اجتماعی را در بر می‌گیرد. و این فرایند منجر به انتظارات فزاینده، اختلالات روان‌شناختی، سردرگمی و احساس محرومیت در میان اعضای جامعه می‌انجامد. سردرگمی و اختلالات متناظر، در شرایطی که دولت توان پاسخگویی به آن را نداشته باشد، خشونت سیاسی را در پی دارد (پارک، ۱۹۸۲). بر این اساس «تضاد، پیامد ضروری انتقال از مرحله سنتی به مدرن است (اولسون، ۱۹۶۳؛ اکشتاین، ۱۹۶۵؛ پای، ۱۹۶۶؛ هانتینگتون، ۱۹۶۸؛ فایراند و فایراند و نسولد، ۱۹۶۹؛ باینر و دیگران، ۱۹۷۱؛ به نقل از معدل، ۱۹۹۴: ۲۷۷) و نوسازی چیزی جز فروپاشی منظم و منسجم جامعه سنتی نیست. همچنین، در این دیدگاه، نقش عوامل ارتباطی (شهر، رسانه، تحرک اجتماعی، آموزش و ...) در جهت تحقق توسعه، برجسته است. اگر فرایند نوسازی همراه با تغییر محیط اجتماعی، منجر به تولید تقاضاهای جدید شود و تعریف تازه‌ای از رضایت‌مندی ارائه دهد، اما با امکانات لازم همراه نباشد، در چنین شرایطی بین خواست فرد (جامعه) و میزان بهره‌مندی او از تسهیلات نوسازی فاصله ایجاد می‌شود. تعمیق این فاصله به معنای افزایش تعداد افرادی است که احساس محرومیت و نابرابری می‌کنند (دویچ، ۱۹۶۱؛ لرنر، ۱۳۸۳).

پای (۱۹۶۴) با جمع‌بندی رابطه بین پیامدهای - اجتماعی اقتصادی گذار و تضاد، اشاره می‌کند که فروپاشی جوامع سنتی، شکاف‌های ناگهانی گوناگونی ایجاد می‌کند که می‌تواند تمایلی در توجه به حس هویت ناشی از وفاداری به اجتماعات محلی، سنتی، قومی، منطقه‌ای و غیره ایجاد نماید (دیویدسون، ۲۰۰۵: ۳۴). فلانینگان و فوگلمان (۱۹۷۰) هم با برقراری رابطه‌ای بین تولید ناخالص سرانه ملی، سطح توسعه اقتصادی، درصد جمعیت کشاورز از یک سو و خشونت سیاسی از سوی دیگر، به نتایج مشابهی رسیدند (بدیع، ۱۳۷۹). وید (۱۹۸۱) در یک بررسی تجربی بین نابرابری درآمد و خشونت داخلی، نتایج مشابهی به دست آورده است. شواهد بسیاری مبنی بر این‌که تحرک اجتماعی، شهرنشینی و باسوادی نظیر دیگر متغیرها بر پی‌ثباتی تأثیر دارند، ارائه شده است (موتن، ۱۹۷۹: ۷۰۷ و مک و سیدر، ۱۹۵۷). پژوهش‌های دیگری نشان می‌دهد کشورهایی که سطوح بالایی از توسعه را دارند دارای سطوح پایینی از خشونت هستند (تیلور، ۲۰۰۲: ۱۵).

از آن‌جا که نوسازی به شرایط و امکانات مختص خود نیاز دارد و تأثیرات معینی را در پی دارد، به دلیل عدم برخورداری برخی جوامع از امکانات برای اجرای طرح نوسازی، شکاف‌های عمیقی بین دستاوردها و خواسته‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. تغییرات اجتماعی که تحت شرایط نوسازی، نظم اجتماعی پیشین را دگرگون کرده است و ناکامی‌ها و ناسازگاری‌های جدید ایجاد می‌کند، بر رفتار سیاسی تأثیر گذاشته و در برخی مواقع سبب تغییر آن گشته است و خود را در قالب رفتارهای غیرمحافظة‌کارانه نشان می‌دهد.

فرضیه پژوهش

با توجه به دیدگاه نظری مطرح شده در این پژوهش، فرض بر این است که بین نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

مفاهیم پژوهش

نوسازی

نوسازی، آماده‌سازی روبناهای یک جامعه سنتی جهت پذیرا شدن اقتصاد صنعتی تعریف شده است (بدیع، ۱۳۷۹: ۱۰۵). برای عملیاتی کردن نوسازی، از تغییر در مقیاس‌های توسعه اقتصادی، سطح سواد، مصرف سرانه رسانه‌ها، مشارکت سیاسی استفاده می‌شود. این شاخص‌ها برای سنجش نوسازی شامل سرانه GNP، تولید انرژی، سرانه مدارس ابتدایی، نرخ باسوادی، نرخ رأی‌دهندگان در انتخابات و نرخ شهرنشینی هستند (مدیسون و استیونسن، ۱۹۷۲: ۹۶ - ۹۵ و نیز بنگرید به دویچ، ۱۹۶۰؛ معدل، ۱۹۹۴؛ لرنر، ۱۳۸۳؛ بدیع، ۱۳۷۹).

با وجودی که شاخص‌های متعددی برای عملیاتی نمودن نوسازی به کار رفته است، اما در سیاست‌های تطبیقی، مفهوم نوسازی همچنان دارای ابهام بوده است و از نظر عملیاتی نمودن دشوار است. در نتیجه پژوهش‌های اخیر، استفاده از شاخص ترکیبی «کیفیت زندگی» را برای عملیاتی نمودن سطح نوسازی توصیه کرده‌اند (شین، ۱۹۷۹: ۲۹۹). این شاخص که یکی از شاخص‌های مهم در علوم اجتماعی به‌طور عام و جامعه‌شناسی و سیاست‌گذاری اجتماعی به‌طور خاص است (فیلیس، ۲۰۰۶: ۳) بر مبنای دو رهیافت عینی و ذهنی تعیین می‌شود. در بعد ذهنی، رضایت از زندگی مورد توجه است که خود نشان دهنده عدم احساس محرومیت در افراد است و در بعد عینی، ویژگی‌های مرتبط با توسعه و نوسازی از جمله بهداشت، آموزش، رسانه و... را می‌سنجد (وینسنت، ۱۹۸۷). پیش‌فرض کیفیت زندگی بر این است که کیفیت زندگی بیشینه^۱، حداقل منجر به درجه‌ای از برابری طلبی یا تخفیف نابرابری‌ها منتهی می‌شود (فیلیس، ۲۰۰۶). چنان‌چه کیفیت زندگی در کشوری بالا باشد، احتمال تضاد در آن کشور کاهش می‌یابد. این درحالی است که محرومیت با کیفیت زندگی پایین مرتبط است (رایت،

۱۹۵۵ به نقل از وینسنت، ۱۹۸۷: ۳۹۵). بنابر این پیش‌فرض، از آن‌جایی که شاخص کیفیت زندگی، هم سطح توسعه و تغییر اجتماعی و اقتصادی را اندازه‌گیری می‌نماید و هم شاخصی برای نشان‌دادن احساس محرومیت ناشی از نوسازی است، برای عملیاتی نمودن مفهوم نوسازی از آن استفاده شده است. شاخص کیفیت زندگی همانند دیگر شاخص‌های بانک اطلاعات جهانی، هر ساله برای کشورهای جهان گزارش می‌شود (برای آشنایی با شاخص‌های ذیل کیفیت زندگی بنگرید به پیوست ۱).

خشونت سیاسی

خشونت سیاسی که بسیاری از دانش‌پژوهان آن را با «بی‌ثباتی سیاسی» هم معنا دانسته‌اند (هونگ کیو، ۱۹۸۲: ۱۱ و ساندرز، ۱۳۸۰: ۲۳) شامل شورش، جنگ چریکی، ترور، مرگ بر اثر خشونت، اعتصاب و تظاهرات است (ساندرز، ۱۳۸۳: ۴۲). در بررسی خشونت سیاسی، مسأله مورد توجه اندازه‌گیری و عملیاتی کردن خشونت است. «طی دهه‌های اخیر، تحلیل‌های آماری ریاضی درباره پدیده‌های سیاسی معمول شده و ابزارهای کمی بسیاری برای اندازه‌گیری خشونت گسترش یافته است» (تیلور، ۲۰۰۲). به منظور عملیاتی کردن خشونت سیاسی از داده‌های مربوط به PRS و UPSALA استفاده شده است.^۱ طبق این داده‌ها خشونت سیاسی دارای سه مؤلفه جنگ داخلی^۲، تروریسم^۳ و نابسامانی داخلی^۴ است. منظور از جنگ داخلی «تضاد نظامی بین دولت و سازمان‌های شورشی است. اهداف این شورش ممکن است جایگزینی رژیم جدید یا تقسیم کشور باشد» (مسون و فت، ۱۹۹۶: ۵۴۷). تروریسم «که یکی از مفاهیم مبهم خشونت است به عنوان عملی که ترس، احساس حقارت و تقاضای اعمال تلافی‌جویانه را دربرمی‌گیرد،

۱. داده‌های مربوط به خشونت سیاسی در PRS (Political Risk Points By Subcomponent) مربوط به سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۲ است و داده‌های UPPSALA مربوط به سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۶ هستند.

2. Civil War

3. Terrorism

4. Civil Disorder

تعریف می‌شود» (اریکسون و دیگران، ۱۹۸۹: ۵۹۷). نابسامانی داخلی شامل تظاهرات و اعتصاب و تخریب است (ساندرز، ۱۳۸۳).

روش پژوهش

این پژوهش، تطبیقی و کمی است و جمعیت آماری آن دربرگیرنده کشورهای اسلامی جهان است که به دلیل در اختیار نبودن داده‌های ثانویه برای برخی از کشورهای اسلامی پیرامون خشونت سیاسی و کیفیت زندگی، جمعیت آماری به ۳۲ کشور کاهش یافت.^۱ داده‌های ثانویه مربوط به این کشورها از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر به دست آمده است. برای تحلیل اطلاعات، ذیل این دو مجموعه و به منظور جلوگیری از چالش‌های تحلیلی، از تحلیل همبستگی کنونیکال استفاده شده است.^۲ تحلیل همبستگی کنونیکال، علاوه بر همبستگی میان متغیرها، در شرایطی که دو مجموعه از شاخص‌های چندگانه مورد توجه باشد، به منظور تعیین همبستگی خطی بین این دو مجموعه، کاربرد دارد. مک‌لافین و اتو (۱۹۸۱) این تحلیل را به مثابه ابزاری نیرومند در نظر گرفته که نه تنها مجموعه مشابهی از مفروضه‌های به کار رفته در تکنیک‌های مدل خطی عام مانند رگرسیون، همبستگی چندگانه و تحلیل عاملی، که بسیار پر کاربرد هستند را فراهم می‌کند، بلکه همانند این تکنیک‌ها از توانایی بالایی برای ارزیابی این مفروضه‌ها برخوردار است (مک‌لافین و اتو، ۱۹۸۱: ۱). تحلیل همبستگی کنونیکال این امکان را فراهم می‌سازد که مفهوم «بعدی بودن»^۳ (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱) و «جمع‌بندی روابط بین دو مجموعه از شاخص‌ها» (هویر، ۱۹۵۴؛ مک‌لافین و اتو، ۱۹۸۱؛ ساعی، ۱۳۸۶) را نشان داده و

۱. این کشورها شامل: آذربایجان، اردن، امارات متحده عربی، الجزایر، ایران، بورکینافاسو، بحرین، برونزی، پاکستان، ترکیه، تونس، ساحل عاج، سنگال، سوریه، سومالی، سودان، قزاقستان، قطر، کویت، گینه بیسائو، لبنان، لیبی، عراق، عربستان سعودی، عمان، مالی، مالزی، مراکش، مصر، نیجر، تیجریه، یمن است.

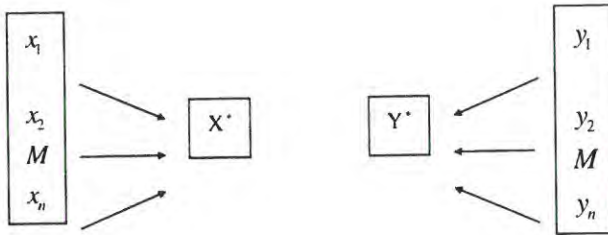
۲. تحلیل همبستگی کنونیکال، هم با فرضیات دارای ساختار متقارن و هم با ساختار علی، سازگار است (بنگرید به ساعی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

همبستگی بین دو ترکیب را ارزیابی کرد (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۷۰). در این پژوهش نیز دو مجموعه کیفیت زندگی و خشونت سیاسی با ترکیبی از متغیرها مورد توجه هستند.

آزمون فرضیه و ارائه یافته‌ها

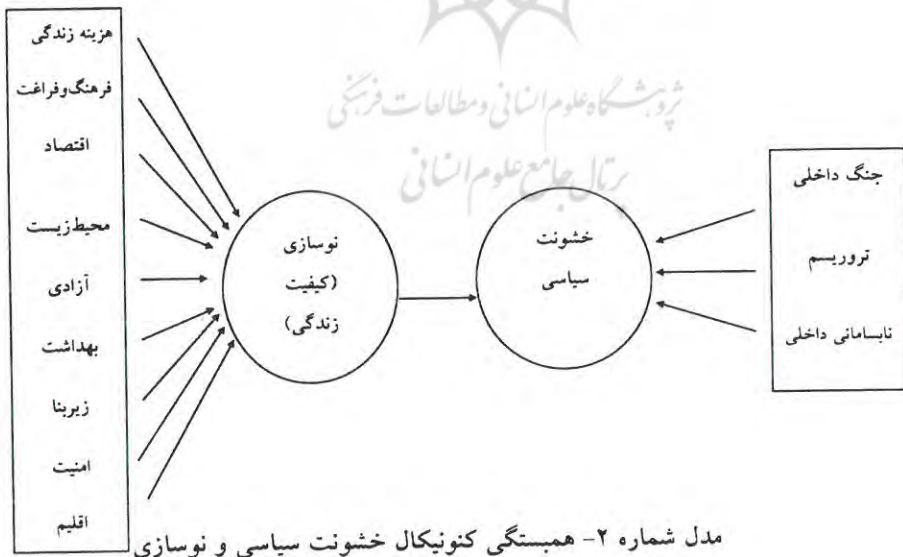
هدف پژوهش حاضر تعیین وجود رابطه همبستگی بین نوسازی و خشونت سیاسی است. همچنین، به عنوان یک دستاورد نظری در این پژوهش قصد داریم تا رابطه میان هر یک از شاخص‌های این دو متغیر را نیز با یکدیگر تعیین نماییم. همان طور که در بخش پیشین آمد، این دو هدف از طریق به کارگیری همبستگی کنونیکال، امکان‌پذیر است. زیرا این تکنیک، علاوه بر آزمون وجود رابطه معنادار بین نوسازی و خشونت سیاسی، جزئیات بیشتری از این رابطه را نشان خواهد داد و اطلاعات دقیق‌تری که به لحاظ نظری شاید بتواند تکمیل‌کننده چارچوب نظری تحقیق باشد، ارائه خواهد کرد.

مطابق مدل شماره ۱ که مدل عام همبستگی کنونیکال را نشان می‌دهد، شاخص‌های چندگانه مجموعه پیش‌بینی‌کننده (متغیر مستقل) با X مشخص شده است. تعداد این شاخص‌ها از « X_1, X_2, \dots, X_n » است و از ترکیب خطی این شاخص‌ها متغیر کنونیکال X^* ساخته می‌شود. شاخص‌های چندگانه مجموعه متغیر ملاک (متغیر وابسته) با Y تعریف شده که تعداد آن « Y_1, Y_2, \dots, Y_m » است. از ترکیب خطی این متغیرها، متغیر کنونیکال Y^* ساخته می‌شود. نکته مورد توجه این است که «تعداد این دو شاخص برای هر متغیر کنونیکال، دارای مبنای نظری است و یک رابطه منطقی بین شاخص‌ها و مفاهیم اساسی وجود دارد» (مک‌لافین و اتو، ۱۹۸۱).



مدل شماره ۱- مدل همبستگی کنونیکال

در این پژوهش، تحلیل همبستگی کنونیکال برای مجموعه نوسازی، یعنی مجموعه اول یا X^* (با توجه به شاخص کیفیت زندگی) و مجموعه دوم، یعنی خشونت سیاسی یا Y^* مورد نظر است. مدل شماره ۲، همبستگی کنونیکال بین دو مجموعه یاد شده را نشان می‌دهد.



مدل شماره ۲- همبستگی کنونیکال خشونت سیاسی و نوسازی

بر مبنای این مدل، مجموعه کنونیکال شاخص کیفیت زندگی (X^*) با تعداد ۹ زیرشاخص، شامل هزینه زندگی x_1 ، فرهنگ و فراغت x_2 ، اقتصاد x_3 ، محیط زیست x_4 ، آزادی x_5 ، بهداشت x_6 ، زیربنا x_7 ، امنیت x_8 و اقلیم x_9 است. و متغیر کنونیکال خشونت سیاسی (Y^*) با تعداد ۳ زیرشاخص، عبارت است از جنگ داخلی y_1 ، تروریسم y_2 و نابسامانی داخلی y_3 .

بر اساس تحلیل همبستگی کنونیکال، همبستگی شاخص‌های درون هر دو مجموعه نوسازی و خشونت سیاسی و نیز همبستگی بین شاخص‌های آن‌ها محاسبه می‌شود. در نهایت همبستگی کنونیکال دو مجموعه به منظور آزمون فرضیه پژوهش محاسبه می‌شود. جدول شماره ۱ ماتریس همبستگی کنونیکال درون و بین هر دو مجموعه متغیر کنونیکالی را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ماتریس همبستگی کنونیکال درون و بین دو مجموعه خشونت سیاسی و

نوسازی

متغیرها	y_1	y_2	y_3	x_1	x_2	x_3	x_4	x_5	x_6	x_7	x_8	x_9
y_1												
y_2	۱۴۷۹											
y_3	۱۶۸۳	۱۵۰۷										
x_1	-۰.۳۰	۰.۳۰	۰.۰۱									
x_2	۱۶۹۲	۰.۳۴۴	۰.۵۸۹	-۰.۱۱۹								
x_3	۱۶۹۰	۰.۲۸۶	۰.۵۴۴	-۰.۲۵	۰.۶۴۱							
x_4	۱۱۰۵	۰.۲۹۲	۰.۱۳۱	۰.۲۵۷	-۰.۵۴	۰.۱۱۶						
x_5	-۱۱۸۱	۰.۲۱	-۰.۱۴۸	۰.۱۴۶	-۰.۱۴۸	۰.۱۱۶	۰.۲۲۳					
x_6	۰.۳۰۷	۰.۱۰۷	۰.۱۲۲	-۰.۴۰	۰.۴۲۸	۰.۳۰۹	۰.۳۴۵	۰.۱۶۸				
x_7	۰.۵۵۴	۰.۵۷۴	۰.۳۶۲	۰.۰۷۵	۰.۵۲۴	۰.۵۶۷	۰.۱۹۶	۰.۰۲۲	۰.۴۳۱			
x_8	۰.۵۰۳	۰.۴۱۵	۰.۳۶۹	۰.۱۱۸	۰.۴۰۱	۰.۴۳۸	۰.۰۶۷	۰.۴۳۵	۰.۱۶۸	۰.۴۹۰		
x_9	-۰.۰۴	۰.۰۸۸	-۰.۰۶۱	۰.۰۴۷	۰.۰۶۰	-۰.۱۸۱	۰.۴۵۴	۰.۱۷۸	۰.۴۳۵	۰.۰۸۳	-۰.۱۲۰	

جدول ۱ به چهار بخش تقسیم شده است. در سمت چپ بالای جدول، تعداد ۳ همبستگی بین متغیرهای مجموعه خشونت سیاسی به عنوان متغیر وابسته، در سمت چپ پایین جدول، تعداد ۲۷ همبستگی بین متغیرهای دو مجموعه نوسازی که معرف آن، شاخص کیفیت زندگی است، به عنوان متغیر مستقل و خشونت سیاسی به عنوان متغیر وابسته ارائه شده است. سمت راست پایین جدول، تعداد ۳۶ همبستگی بین متغیرهای مجموعه نوسازی را نشان می‌دهد. در این جدول ۶۶ همبستگی برای کل روابط دو مجموعه، آمده است. گزارش این تعداد همبستگی نشان می‌دهد، همبستگی کنونیکال این امکان را فراهم می‌نماید تا تعداد زیادی همبستگی را به طور همزمان به منظور نتیجه‌گیری نهایی از رابطه دو متغیر کنونیکال به دست آوریم.

طبق جدول ۱، از مجموعه نوسازی، تنها دو متغیر فرهنگ و اقتصاد با مجموعه خشونت سیاسی همبستگی دارند. البته همبستگی بیشتر بین این دو متغیر با متغیر جنگ داخلی از مجموعه خشونت سیاسی است. پس از آن، این دو متغیر با نابسامانی داخلی که یکی دیگر از متغیرهای مجموعه خشونت سیاسی است بیشترین همبستگی را دارند. در این مجموعه بین متغیر امنیت و زیربنا با متغیر جنگ داخلی از مجموعه خشونت سیاسی همبستگی نشان داده شده است، اما میزان این همبستگی نسبت به متغیر فرهنگ و اقتصاد کمتر است. سایر متغیرها در مجموعه نوسازی همبستگی معناداری را با متغیر جنگ داخلی نشان نمی‌دهند. از این میان، متغیر زیربنا با متغیر تروریسم، بیشترین همبستگی را دارد و بقیه متغیرهای این مجموعه با متغیر تروریسم همبستگی ندارند.

بر مبنای این یافته‌ها از آن جایی که بیشترین همبستگی از مجموعه نوسازی میان متغیرهای اقتصاد و متغیر فرهنگ با مجموعه خشونت سیاسی است، می‌توان استدلال نمود نتیجه حاضر در راستای مباحث نظری و تأیید کننده وجود همبستگی بین نوسازی و خشونت سیاسی است.

در جدول ۲، همبستگی کنونیکال خشونت سیاسی (Y^*) و نوسازی (X^*) و نیز بارهای عاملی این دو متغیر کنونیکال آورده شده است. طبق این جدول، اولین همبستگی

بر مبنای دو مجموعه کنونیکال برابر با $R = ۰/۸۶$ و ضریب تعیین آن معادل $R^2 = ۰/۷۳$ است. با توجه به مقدار ویلکس ($۰/۱۲۴$) و کای اسکور ($۵۱/۰۶$) و سطح معناداری ($p=۰/۰۳$)، اولین ضریب همبستگی کنونیکال کاملاً معنادار است. براساس منطق تحلیل همبستگی کنونیکال، چون اولین واریانس استخراج شده بزرگتر است، لذا این واریانس برای تحلیل قابل اعتنا است. در این جا، واریانس مذکور به این معنا است که نسبتی از واریانس متغیر جنگ داخلی که متغیر نوسازی تبیین نموده، برابر $۰/۷۳$ است.

جدول شماره ۲. همبستگی کنونیکال خشونت سیاسی و نوسازی

عامل‌های کنونیکال	همبستگی کنونیکال	آزمون ویلکس	کای اسکور	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	-۰/۸۶	-۰/۱۲۴	۵۱/۰۶	۲۷/۰۰	۰/۰۰۳
۲	-۰/۶۷	-۰/۴۸۳	۵۱/۸۱	۱۶/۰۰	۰/۳۳۵
۳	۰/۳۳	۰/۸۹۰	۲/۸۵	۷/۰۰	۰/۸۹۸

بارهای کنونیکال خشونت سیاسی و نوسازی

متغیرها	γ_1	γ_2	γ_3
X_1	۰/۰۳۹	-۰/۵۸۴	-۰/۲۲۱
X_2	۰/۸۰۹	۰/۲۰۴	-۰/۰۷۹
X_3	۰/۷۸۶	-۰/۲۶۷	-۰/۱۰۷
X_4	-۰/۱۸۰	-۰/۳۵۰	-۰/۲۵۴
X_5	-۰/۱۸۹	-۰/۲۴۳	۰/۰۴۲
X_6	۰/۳۲۳	۰/۰۵۵	-۰/۵۲۹
X_7	۰/۶۸۷	-۰/۴۵۰	-۰/۰۸۷
X_8	۰/۶۰۹	-۰/۱۸۶	-۰/۰۳۹
X_9	-۰/۰۰۱	-۰/۲۰۶	-۰/۰۶۵

از آن جایی که «بار کنونیکال» شیوه دیگری برای تفسیر کنونیکال همبستگی میان متغیرهای کنونیکال است، می‌تواند برای تفسیر معناداری متغیرهای کنونیکال که وزن بیشتری برای تفسیر دارند، استفاده شود» (ریمن، ۱۹۷۵)، متغیر فرهنگ و اقتصاد، آن‌گونه که در جدول شماره ۵ گزارش شده است، دارای وزن کنونیکال بیشتری بوده و لذا می‌توان گفت شاخص مناسبی برای تعیین سطح نوسازی به شمار می‌روند. این نتیجه با ماتریس همبستگی که در جدول شماره ۲ آورده شده است نیز همخوانی داشته و نشان می‌دهد شاخص‌های گوناگون به یک میزان بر خشونت سیاسی تأثیر نمی‌گذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعات مربوط به خشونت سیاسی، عوامل تعیین‌کننده گوناگونی مطرح شده است و پژوهشگران با در نظر گرفتن عوامل ساختاری یا رفتاری به این موضوع می‌پردازند. از این میان، رهیافت روان‌شناختی - ساختاری با تأکید بر روابط بین این دو، هم به جنبه‌های روان‌شناختی و هم ساختاری خشونت پرداخته است و ذیل رویکرد نوسازی، از منظر تحولات اجتماعی - اقتصادی به دگرگونی‌های سیاسی توجه می‌نماید. علی‌رغم انتقادات وارد بر آن، همواره نظریه‌های ذیل این دیدگاه در تحلیل خشونت سیاسی مورد توجه بوده‌اند.

بر مبنای رویکرد مذکور در فرایند نوسازی، برخی نظام‌های اجتماعی به همراه تغییر اجتماعی و فروپاشی نظم سنتی با عدم رعایت اصل اعتدال در توزیع امکانات و قدرت روبه‌رو هستند. پیامد این عدم اعتدال و ناهماهنگی، بروز بی‌ثباتی در نظم اجتماعی و وقوع رفتارهای خشونت آمیز در نظام سیاسی است. کشورهای اسلامی از جمله کشورهایی هستند که در مسیر نوسازی قرار داشته و در اغلب آن‌ها نیز خشونت سیاسی وجود دارد. با اتنا به همین موضوع در این پژوهش فرض شد، آیا خشونت سیاسی در

کشورهای اسلامی تابعی از نوسازی است. آزمون فرض مذکور با تحلیل همبستگی کنونیکال نشان داد در کشورهای یاد شده، فرایند نوسازی با رفتارهای خشونت‌آمیز سیاسی همراه است.

علاوه بر آزمون فرض وجود همبستگی بین نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی، با فرارفتن از چارچوب نظری مطرح شده، در پاسخ به این پرسش که در فرایند نوسازی چه متغیرهایی بیشترین همبستگی را با خشونت سیاسی دارند؟ نشان داده شد از میان متغیرهای ذیل شاخص «کیفیت زندگی» که برای عملیاتی نمودن مفهوم نوسازی از آن استفاده شد، متغیر فرهنگ (شامل: نرخ باسوادی، دوره روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر، نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی، راهنمایی و ...) و متغیر اقتصاد^۱ (شامل GDP، نرخ رشد GDP، سرانه، نرخ تورم و GDP سرانه تعیین کننده نمره اقتصادی کشور) بهترین پیش‌بینی‌کننده جنگ داخلی از مجموعه خشونت سیاسی هستند. این در حالی است که در مطالعات پیشین برای تبیین رابطه میان نوسازی و خشونت سیاسی، متغیرهای سواد، سرانه روزنامه، تلفن، تولید ناخالص ملی، مصرف کالری به عنوان شاخص‌های نوسازی در نظر گرفته شده و در رابطه با خشونت سیاسی، مورد تحلیل قرار گرفته است (در این باره بنگرید به دویچ، ۱۹۶۱؛ لرتز، ۱۳۸۳؛ فایرلند و فایرلند، ۱۳۷۹؛ بدیع، ۱۳۷۹). پژوهش حاضر از یک سو نشان می‌دهد دو شاخص فرهنگ و اقتصاد که ترکیبی کامل‌تر و چندجانبه‌تری از متغیرهای مزبور است، همبستگی بیشتری با خشونت سیاسی دارند و پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری برای خشونت سیاسی هستند و از سوی دیگر نشان می‌دهد، همه متغیرهایی که در سنجش نوسازی به کار می‌روند به یک میزان بر خشونت سیاسی تأثیر ندارند. چنان چه تبیین تجربی پژوهش را داوری نقادانه درباره تئوری در نظر بگیریم

۱. نکته مورد توجه این است که برخی از ابعاد هر یک از این دو شاخص به صورت مجزا و نه ذیل یک شاخص معین مورد پژوهشگران و پژوهش‌های پیشین بوده و برای تعیین میزان نوسازی در کشورها مورد استفاده قرار گرفته است.

در این باره بنگرید به ساعی، (۱۳۸۶)، این یافته می‌تواند برای اصلاح و تکمیل نظریه‌نوسازی سودمند باشد.

شاخص کیفیت زندگی به عنوان شاخصی که قادر به تعیین وضعیت تغییر و نوسازی و نیز احساس محرومیت یا رضایت از زندگی است (بنگرید به راپلی، ۲۰۰۳)، می‌تواند در مطالعات سیاسی تطبیقی، به‌طور عام و در تبیین خشونت سیاسی، به‌طور خاص به کار رود. به ویژه اگر پژوهش‌های آینده تلاش نمایند تا تغییر در هر یک از شاخص‌های کیفیت زندگی را با تغییر در رفتارهای خشونت‌آمیز به شیوه تطبیقی در میان کشورها مورد بررسی قرار دهند.

از آقایان سید آیت الله میرزایی و محمود خسروجردی برای پیشنهادهای ارزنده و بازخوانی و ویرایش این مقاله سپاسگزارم.



منابع

- بدیع، برتران (۱۳۷۶) فرهنگ و توسعه، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: انتشارات دادگستر.
- بدیع، برتران (۱۳۷۹) توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- پالمر، مونتی، لاری اشترن و چارلز کایل (۱۳۸۰) نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ساعی، علی (۱۳۸۶) روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، تهران: انتشارات سمت.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰) الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- لرنر، دانیل (۱۳۸۳) **گذر جامعه سنتی**: نوسازی خاورمیانه، ترجمه، غلامرضا خواجه‌سروری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فایراند، ایو و روزالیند فایراند (۱۳۷۹) «خشونت سیاسی و ثبات سیاسی» در **خشونت و جامعه**، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: نشر سفیر.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹) «تحول سیاسی در جهان سوم» در **درک توسعه سیاسی**، مایرون واینر و ساموئل هانتینگتون، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Clark, Afifi, A and Vanda May, S (2004) *Computer – Aided Multivariate Analysis*, 4th ed. Boca Raton , Fl: Chapman & Hall/ crc.
- Collier, Paul and Nicholas Sambanis (2002) "Understanding Civil War; A New Agenda", *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 46. No. 1. pp.3- 12.
- Davidson, Charles Robert (2005) *Political Violence in Egypt: A Case Study of Islamism in Surgency 1992 – 1997*. The Fletcher School of Law and Diplomacy.
- Deutsch k. (1961) "Social Mobilization and Political Development", *American Political Review*, V,55,N.3, pp.493-514.
- Eriksson, Mikeal, Peter Wallenstein and Margareta Sollenberg (1989) *Armed Conflict 1989 – 2002*, *The Journal of Conflict Resolution*, Vol, 40. No. 5, pp.593 – 607.
- Hooper, John .w (1959) " Simultaneous Equation and Canonical Correlation Theory", *Econometric*, Vol. 27 . No.2, pp 245 – 256.
- Philipes, David (2006) *Quality of Life Concept, Policy and Practice*, by Routledge.

- PRS Group (2006) An Extract from International country Risk Guide, 1984 – present, www. PRS Group. com .
- Rapley, Mark (2003) Quality of Life Research: A Critical Introduction, SAGE publication Ltd.
- Shin, Doh c (1979) “The Concept of Quality Of Life and the Evaluation of Developmental Effort: Some Applications to South Korea”, *Comparative Politics*, Vol, 11, No. 3, pp. 299 – 318.
- Snyder, David (1978) “Collective Violence: A Research Agenda and some strategic considerations”, *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 22, pp. 499 – 534.
- Tabachnic , Barbara G and Linda S .Fidell (2001) Using Multivariate Statistics , USA : Allyn and Bacon.
- Taylore. Bruce. J (2002) Opportunity and Discontent: An Analysis of mass Political Violence throughout the World Frome 1975 to 1994. Chicago , Illinois.
- Mack, Raymond. W and Richard C. Snyder (1957) “The Analysis of Social Conflict:
- Toward an Overview and synthesis”. *The Journal of Conflict Resolution*. Vol.1 . No.2. pp. 212 – 248.
- Park , Hong Kyoo (1982) Political Development and Political Stability: East and Southeast ASIA. University of Cincinnati.
- Mason, T. David and Patrick. J, Fett. (1996) “ How Civil Wars End: A Rational choice
- Approach”. *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 40. No 1. pp. 540 – 568.

- Mclaughlin, Steven D and Luther B. Otto (1981) "Canonical Correlation Analysis in Family Research", *Journal of Marriage and the Family*. Vol.43, No.1, PP. 7-16.

- Moadel, Mansore (1994) "Political Conflict in the World Economy: A Cross –National Analysis of Modernization and World – System Theories", *American Sociological Review*, Vol. 59, No. 2, PP. 276 – 303.

- Morrison, D.G & H.M. Stevenson (1972) Cultural Pluralism, Modernization and Conflict: An Empirical Analysis of Sources of Political Instability in African Nations, *Canadian Journal of Political Science*. Vol , 5, N. 1, PP. 82- 103.

- Moten, A. Rashid (1979) "Varieties of Instability: A Theoretical and Methodological critique". *The Journal of Modern African Studies*, Vol. 17. No. 4, PP. 703 – 709.

- Quality Of Life Index (2006) International Living.com. Rapley, Mark (2003) *Quality of Life Research: A Critical Introduction*, SAGE publication Ltd.

- Uppsala Conflict Database Categorical (2007) Department of Peace and Conflict Research, Uppsala University.

- Vincent, E. Jack (1987) Analyzing Shifts in International Conflict from Quality of Life Indicators, *Journal of Peace Research*, Vol. 24, No. 4, PP. 393 – 405.

- Weede, Erich (1981) 'Economic Inequality , Average Income, and Domestic Violence', *The Journal of Conflict Resolution*, Vol. 25. No. 4, pp 639 – 654.

- Wright, Quincy (1965) "The Escalation of International conflicts", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 9, No. 4, PP. 434 – 449.

پیوست

شاخص‌ها و زیرشاخص‌های کیفیت زندگی

زیرشاخص‌ها	شاخص‌ها و وزن آن‌ها نسبت به شاخص کل
هزینه زندگی	هزینه زندگی (۰/۱۵)
نرخ باسوادی، دوره روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر، نرخ ثبت نام در مدارس ابتدایی و راهنمایی، بازدیدکنندگان از موزه و تفریحات دیگر.	فرهنگ و فراغت (۰/۱۰)
GDP، نرخ رشد GDP، GDP سرانه، نرخ تورم و GDP سرانه تعیین کننده نمره اقتصادی کشور.	اقتصاد (۰/۱۵)
تجمع جمعیت در هر متر مربع، نرخ رشد جمعیت، درصد کل زمین‌ها و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای.	محیط زیست (۰/۱۰)
حقوق سیاسی مدنی و آزادی‌های مدنی.	آزادی (۰/۱۰)
مصرف روزانه کالری، تعداد تخت‌های بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر، تعداد پزشک، درصد جمعیت دریافت کننده آب سالم، نرخ مرگ و میر، امید به زندگی، هزینه سلامت عمومی به عنوان درصدی از GDP کشور.	بهداشت و سلامت (۰/۱۰)
میزان بارندگی سالانه و میزان خطرات ناشی از بلایای طبیعی.	اقلیم (۰/۱۰)
طول راه آهن، جاده‌های آسفالت، راه‌های آبی قابل کشتیرانی به توجه به مساحت هر کشور، تعداد هواپیما، وسایل نقلیه موتوری، تلفن، سرانه تلفن همراه و خدمات اینترنت.	زیربنا (۰/۱۰)
وضعیت‌های تهدید کننده و ناسالم زندگی.	امنیت و خطر (۰/۱۰)

شاخص «کیفیت زندگی» به عنوان یک شاخص ترکیبی شامل تعداد ۹ زیر شاخص با اوزان متفاوت است که علاوه بر پوشش همه شاخص‌هایی که در سنجش سطح نوسازی استفاده می‌شود، دارای ابعاد دیگری نیز هست. جدول فوق ابعاد این شاخص و زیرشاخص‌های آن را نشان می‌دهد.